



The Methodology of Understanding the Qur'an in Elahi Ardabili's Interpretation

Marzieh Ghasemi*
Soraya Ghotbi*

Received: 25/07/2021
Accepted: 07/03/2022

Abstract

"Kamal al-din Hossain Elahi Ardabili" is one of the Shiite scholars in the late ninth and first half of the tenth century AH. He is a commentator, theologian, philosopher, jurisconsult, and usulist who has written more than thirty works in Arabic, Persian, and Turkish languages. Elhi Ardabili has a commentary including Surah Hamd and the opening verses of Surah Baqarah in Arabic, the manuscript of which has recently been corrected and researched by "Ali Sadraei Khoei" and "Soraya Ghotbi". The present study, with a descriptive-analytical method, investigates the methods of understanding the Holy Quran based on the text of the verse and beyond the text of the verse in the interpretation of "Elahi Ardabili". The findings of the research indicate that Elahi at the textual level, by analyzing the text of the verse and scrutinizing linguistic levels, including Quranic vocabulary including etymology and derivation, expressing the meaning of words, semantic relations and grammar, and at the literary level by using the knowledge of rhetoric, attempts to achieve a deeper understanding of the verses of the Qur'an. At the level beyond the text of the verse, he has interpreted the verses of the Qur'an by dealing with texts related to the verse and by relying on intratextual relationships including similar verses and intertextual relationships with narrative texts and other interpretations. The result is that although Elahi Ardabili paid more attention to linguistic and literary studies in his interpretation, he did not adhere to a specific method in his interpretations and turned to the interpretation of the Holy Qur'an with a comprehensive ijthad method.

Keywords: *Elahi Ardabili, Tafsir of the Quran, understanding the Quran, ijthad method, Interpretive methods.*

* Master of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

mzgh1367@yahoo.com

* Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

sghotbi@shahed.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۳۲
بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۶۲-۲۳۵

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.243522.3653



20.1001.1.20083211.1402.16.2.9.7

روش‌شناسی فهم قرآن در تفسیر الهی اردبیلی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسندگان بوده است.

مرضیه قاسمی*

ثریا قطبی**

چکیده

کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی، از دانشمندان شیعه در اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری است. او مفسر، متکلم، فیلسوف، فقیه و اصولی است که بالغ بر سی اثر به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی نگاشته است. الهی اردبیلی تفسیری شامل سوره حمد و آیات آغازین سوره بقره به زبان عربی دارد که به تازگی نسخه خطی آن از سوی علی صدرایی خوبی و ثریا قطبی تصحیح و تحقیق شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی روش‌های فهم قرآن کریم مبتنی بر متن آیه و فرای متن آیه در تفسیر الهی اردبیلی پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که الهی در سطح متنی، با واکاوی متن آیه و موشکافی سطوح زبانی، از جمله مفردات قرآنی شامل ریشه‌شناسی و اشتقاق، بیان معنای واژگان، روابط معنایی و دستور زبان و در سطح ادبی با بهره‌گیری از دانش بلاغت، تلاش کرده به فهم عمیق‌تری از آیات قرآن دست یابد. او در سطح فرای متن آیه با پرداختن به متون مرتبط با آیه و با تکیه بر روابط درون‌متنی از جمله آیات نظیر و روابط بینامتنی با متون روایی و تفاسیر دیگر به تفسیر آیات قرآن پرداخته است. نتیجه آنکه هر چند الهی اردبیلی در تفسیر خود به بررسی‌های زبانی و ادبی توجه بیشتری نشان داده، اما در دریافت‌های خود، به یک روش خاص پایبند نبوده و با روش اجتهادی جامع، به تفسیر قرآن کریم روی آورده است.

واژگان کلیدی

الهی اردبیلی، تفسیر قرآن، فهم قرآن، روش اجتهادی، روش‌های تفسیری.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. mzgh1367@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

sghotbi@shahed.ac.ir



طرح مسئله

قرآن کریم از ابتدای نزول همواره مورد توجه مسلمانان بوده و تلاش‌های بسیاری در زمینه فهم مقصود کلام الهی صورت گرفته است (اوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۱). از جمله این تلاش‌ها، تدوین تفاسیر گوناگون قرآن کریم است (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۷) که مفسران در آن سعی نموده‌اند قرآن کریم را از منظرهای گوناگون مورد دقت نظر قرار داده و در این راه گرایش‌های مختلفی را در تفسیر قرآن دنبال نمایند. فهم عمیق‌تر کتب تفسیری و پدید آوردن تفاسیر روزآمد و روشمند، در گرو شناخت روش تفسیری مفسران قرآن کریم است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). یکی از تفاسیری که در اوایل دوران صفویه به رشته تحریر درآمده، «تفسیر الهی اردبیلی» است. نگارنده این تفسیر، کمال الدین حسین الهی اردبیلی از دانشمندان شیعه در اواخر سده نهم و نیمه اول سده دهم هجری است. آنچه تاکنون از آثار وی منتشر شده «ترجمه نهج البلاغه»، «منهج الفصاحه فی شرح نهج البلاغه»، «کشف الاسرار» و «شرح گلشن راز» است. پنجمین اثر او که در دست انتشار است، تفسیر قرآن به زبان عربی، شامل سوره حمد و آیات آغازین سوره بقره است. پژوهش پیش رو با روش، توصیفی-تحلیلی و با مطالعه اسنادی درصدد است که این تفسیر را مورد بررسی قرار داده و به روش‌شناسی آن در سطح متن و فرای متن بپردازد. بررسی تفسیر الهی اردبیلی به عنوان نمونه‌ای از شرح آیات در عصر صفوی، روش‌های تفسیری این دوران را آشکار کرده و اهمیت ویژه‌ای در شناسایی مستندات و منابع تفسیری به کار رفته در سده دهم هجری دارد. مطالعه روش تفسیری الهی اردبیلی حاکی از آن است که هر چند برخی مفسران از جمله الهی اردبیلی از آموزش‌های عارفانه عالمان عصر صفوی استفاده کرده‌اند و جنبه‌های ذوقی و معنوی را در ذهن خود شکوفا ساختند، اما خود را در تفکر عرفانی عصر صفوی محدود نکرده و برای فهم و استنباط آیات قرآن از علوم گوناگون بهره گرفته‌اند. این تفسیر در اواخر عمر الهی اردبیلی و در دوره‌های آغازین روی کار آمدن حکومت صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ ق) نگاشته شده که تحولات بنیادینی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوجود آمده است. پیوند خوردن قدرت سیاسی پادشاهان صفوی با حلقه‌های مرید و مرادی بعد از بازپسینان شیخ صفی‌الدین اردبیلی (م ۷۳۵ ق) [خواجه علی (م ۸۳۰ ق)، شیخ جنید (م ۸۶۴ ق) و شیخ حیدر (م ۸۹۳ ق)]، توجه بیشتر به صوفیان و سپردن عنان حکومت به دست آنان و نیز گسترش بیش از حد تصوف و اباحه‌گری در اوایل قرن دهم هجری و سلوک الهی اردبیلی نزد سلطان حیدر صفوی



و وسعت دامنه دانش الهی اردبیلی از علوم رایج از جمله حدیث، کلام، فقه و اصول، منطق، هیأت و نجوم، حساب و هندسه، ادب و عرفان این تفسیر را از سایر تفاسیر متمایز می‌کند.

پیشینه تحقیق

امروزه «روش‌شناسی تفسیر قرآن» توجه بسیاری از قرآن‌پژوهان را جلب کرده و کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی در این باره نگارش یافته‌اند. بعضی از این آثار، روش‌شناسی تفسیر قرآن را به طور کلی و برخی نیز یک تفسیر یا یک مکتب تفسیری را مورد بررسی قرار داده‌اند (علوی مهر، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۵۸).

در زمینه آثار الهی اردبیلی پژوهش‌هایی انجام گرفته، از جمله آن‌که پور امینی (۱۳۹۸)، در مقاله خود با عنوان «بررسی رویکردهای کلامی مکتب اصفهان در عصر صفوی»، به معرفی شروح مهم علمای شیعه بر آثار کهن در ترویج علوم عقلی و نقلی در عصر صفوی پرداخته و با اشاره به برخی شروح الهی اردبیلی بر این باور است که در میان آثار کلامی این دوره، موضوع امامت اهمیت ممتازی داشته و الهی اردبیلی با نگارش کتاب امامت به زبان ترکی، در اقدامی قابل اهمیت باعث گسترش فرهنگ شیعی در بین ایرانیان ترک زبان شده است. امینی زاده و رنجبر (۱۳۹۶) در مقاله «تسنن دوازده امامی خراسان در سده‌های هشتم و نهم هجری، زمینه‌ها و علل»، الهی اردبیلی را از علمای شیعه‌ای برمی‌شمارند که نقش موثری در گرایش اهل سنت خراسان به دوازده امام داشته است. صالحین و محمودی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد عرفانی شیخ محمود شبستری در تحلیل نظریه تناسخ»، شرح الهی اردبیلی را بر گلشن راز در شمار شروح حائز اهمیت به حساب آورده‌اند. رضوانی مشکانی (۱۳۸۳-۱۳۸۴)، در مقاله «تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل بر فرهنگ و اندیشه دینی ایرانیان» الهی اردبیلی را از برجسته‌ترین کسانی قلمداد می‌کند که مکتب تشیع را برای هموطنان شیعی خود شرح داده و مایل هروی نیز (۱۳۶۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نخستین ناقل معارف جعفری به فارسی (الهی اردبیلی)»، به زندگی و معرفی آثار الهی اردبیلی پرداخته است.

مرور پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهد هر چند مطالعاتی درباره آثار الهی اردبیلی انجام گرفته اما تاکنون پژوهشی مستقل به این مسأله نپرداخته که روش فهم قرآن کریم در تفسیر الهی اردبیلی به چه صورت است؟

پژوهش حاضر با روش، توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل کیفی است. در روش توصیفی به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود پرداخته می‌شود (خاکی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰) و هدف آن، دستیابی به حقایق جدید است (کرمخانی، ۱۳۹۵، ص ۱۳). جامعه تحقیق در پژوهش حاضر متنی و شامل متن تفسیر الهی اردبیلی است که به تازگی از سوی علی صدرایی خوبی و ثریا قطبی تصحیح و تحقیق شده است.

الهی اردبیلی و تفسیر قرآن کریم

جلال الدین حسین، معروف به الهی، از علمای عصر صفوی و از بزرگان صاحب مقام بوده است (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹). او در اردبیل و در سال‌های میان ۸۶۰ ه.ق تا ۸۷۰ ه.ق چشم به جهان گشود و علوم عقلی و نقلی را از اساتید عصر خود از جمله علی آملی و سید عطاء الله بن فضل الله حسینی فرا گرفت (افندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳). وی در جوانی، در اردبیل از محضر شیخ حیدر بن شیخ صفی الدین اردبیلی، استفاده کرد (صفوی، ۱۳۱۴، ص ۴۹). به نظر می‌رسد او نخستین شخصی باشد که در عصر صفویه، به تألیف تفسیر فارسی و سایر علوم اسلامی پرداخته و آیین شرعی شیعه اثنی عشری را به فارسی تصنیف کرده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۱). الهی اردبیلی از دوستان امام علی (ع) بوده و در مذهب تشیع، تعصب خاصی داشته است تا جایی که به او نسبت غلو داده‌اند (افندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲). الهی اردبیلی، در سال ۹۵۰ ه.ق در اردبیل وفات کرد و در بقعه شیخ صفی به خاک سپرده شد (امین، ۱۴۰۳، ص ۵۱).

منهج الفصاحه در شرح نهج البلاغه، شرح تهذیب الاصول، تاج المناقب در فضائل ائمه اثنی عشر، ترجمه مهج الدعوات، شرح گلشن راز، تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی در دو جلد و تفسیر قرآن به زبان عربی، برخی از آثار الهی اردبیلی است (افندی، ۱۳۸۹، صص ۱۴۷-۱۴۹). با آنکه افندی تفسیر قرآن الهی اردبیلی به زبان فارسی را در اردبیل به خط الهی دیده، اما این تفسیر در حال حاضر، مفقود شده و تنها تفسیر قرآن دیگری از وی موجود است که به زبان عربی و شامل تفسیر سوره فاتحه و بخشی از آغاز سوره بقره است. شایان ذکر است پیش از این، تنها به نام تفسیر قرآن الهی اردبیلی به زبان عربی در کتابشناسی‌ها اشاره شده بود اما در دهه اخیر، نسخه خطی این تفسیر شناسایی شده و به تازگی تصحیح و تحقیق آن از سوی علی صدرایی خوبی و ثریا قطبی انجام پذیرفته است. گفتنی است تفسیر عربی الهی اردبیلی، از آثاری



است که آغاز نگارش آن به اواخر عمر الهی اردبیلی برمی‌گردد؛ از همین رو تفسیر او ناتمام باقی مانده است. سخن الهی اردبیلی در مقدمه تفسیر خود، نشان می‌دهد که هدف الهی اردبیلی از نگارش این تفسیر، آشکار کردن وجوه مختلف الفاظ و معانی، نکات عرفانی و ذوقی، ظرائف و نکته‌سنجی‌های اهل فصاحت و بلاغت و اسرار اشارات عرفا و قدما، قرائت‌های مشهور و معارف بلند و لطائف متعالی بوده که بزرگان و محققان قبل از وی به آن توجه داشته‌اند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳).

روش‌شناسی الهی اردبیلی در تفسیر قرآن

روش تفسیری، شیوه روشن و منظمی است که مفسر برای بیان و کشف معانی کتاب الهی، از آن استفاده می‌کند (علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۲۶). برخی روش تفسیری را مستند یا مستندات‌دانسته‌اند که مفسر در فهم و تفسیر قرآن از آن‌ها بهره گرفته (مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵) و کلام ساخته و پرداخته خود را به عنوان تفسیر کلام خدا و مقصود آیات الهی قلمداد می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷). روش تفسیری امری فراگیر است که مفسر آن را در همه آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن، باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۶). توجه به فرایند روشمند تفسیری و رعایت آن در تفسیر، به غنا و بالندگی هر چه بیشتر محتوایی و ساختاری تفسیر می‌انجامد (نصیری، ۱۳۹۵، ص ۳۶). در ادامه روش تفسیری الهی اردبیلی بر اساس مستندات علوم زبان‌شناختی (واژه‌شناسی، صرف و نحو) و علوم ادبی (بلاغی) در سطح دریافت مبتنی بر متن و مستندات نقلی (قرآن کریم، روایات و متون تفسیری) در سطح دریافت فرای متن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. دریافت مبتنی بر متن

اولین سطح دریافت مفسر پس از مواجهه و دقت در آیات قرآن، دریافت مبتنی بر متن آیه یا فهم تحلیلی است. شاخص متمایز کننده این سطح از دریافت آن است که مفسر بدون آنکه به خارج از متن آیه تکیه داشته باشد، با درنگ در واژگان و عبارات خود آیه سعی دارد تا به دریافتی متقن از متن آیه برسد. فهم زبانی شامل علوم زبان‌شناسی و فهم ادبی در برگیرنده فنون ادبی، از جمله سطوح دریافت مبتنی بر متن در تفسیر الهی اردبیلی است.

۱-۱. دریافت مبتنی بر متن در سطح زبانی

از آنجا که هر متنی از کلمات و دستور زبان خاصی تشکیل شده، فهم زبانی، ابتدایی‌ترین سطح دریافت مبتنی بر متن است (آذرنوش و مکوند، ۱۳۸۹، ص ۶). ابزار مورد استفاده در این سطح، علوم زبان‌شناختی شامل واژگان و دستور زبان است (محمدمنام، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹).

۱-۱-۱. بررسی واژگان و لغت‌شناسی

در این سطح از دریافت، فهم الهی اردبیلی بیشتر مبتنی بر بررسی واژگان آیه و شناخت لغات آن است. در نگاهی کلی، روش الهی در تفسیر آیات، ابتدا پرداختن به شرح واژگان آیه و روشن نمودن معنای آن و سپس تفسیر جوانب دیگر آیه است. وی در بررسی واژگان و مفردات، به ریشه لغت و اشتقاق، الفاظ دخیل و روابط معنایی نظیر مترادف و تضاد توجه کرده است.

۱-۱-۱-۱. اشتقاق و شرح معنای واژگان

اشتقاق و بیان معنای واژگان قرآنی، بخشی از تلاش‌های زبان‌شناختی الهی اردبیلی در تفسیر آیات قرآن کریم است. برای نمونه، الهی اردبیلی در شرح واژه «أعوذُ»، به اشتقاق این واژه از ریشه «عوذ» اشاره می‌کند و معانی «پناه بردن، حمایت خواستن» و «پیوست کردن» را برای این ریشه ذکر می‌کند. شکی نیست که واژگان قرآن به زبان عربی اصیل زمان رسالت پیامبر خدا (ص) نازل شده است؛ از این رو الهی اردبیلی سعی دارد تا با رجوع به آراء لغت‌شناسان از جمله جوهری در صحاح (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۵۵، ۷۸)، فیروز آبادی در قاموس اللغه (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۷)، زمخشری در الفائق (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۴) و راغب در مفردات (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۶۶، ۱۱۰)، به معنای واژگان به کار رفته در آیات قرآن دست یابد و نخستین و مهم‌ترین گام را برای دریافت مبتنی بر متن در سطح زبانی بردارد.

الهی در شرح معنای واژگان قرآنی، به طور گسترده، به دیدگاه‌ها و اقوال تفسیری گذشتگان نیز رجوع کرده است. هر چند در اغلب موارد، مفسر از مصدر مورد استفاده خود در شرح معنای واژگان ذکری به میان نیاورده، اما نقل قول الهی از آراء زمخشری در تفسیر کشاف، بیش از دیگران به چشم می‌خورد. از آنجا که زمخشری در تفسیر خود به مباحث ادبی و زبانی توجه ویژه‌ای داشته است، وی در موارد متعددی در تعیین معنای واژگان، به این تفسیر استناد نموده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۶۴، ۷۸، ۱۰۸).



الهی اردبیلی در واژه‌شناسی آیات، تنها به بیان معنای واژه اکتفا نمی‌کند؛ بلکه توضیحات افزون‌تری نیز راجع به واژه می‌دهد. به عنوان نمونه وی برای بیان معنای «الصاق» در ریشه «عوذ» به لذیذترین جای گوشت که بخش به استخوان چسبیده گوشت است، اشاره کرده و می‌گوید: «أَطِيبَ اللَّحْمِ عَوْذٌ» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳). وی در ادامه چگونگی ضبط واژه «عوذ» و چگونگی تلفظ آن را بیان می‌کند: «عوذ» بفتح العین و ضمها» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳).

کاربست شواهد قرآنی بخش دیگری از تلاش‌های الهی اردبیلی در شرح معانی واژگان است. اگر چه نمونه‌های محدودی از این کاربرد را می‌توان در تفسیر او یافت، اما مواردی وجود دارد که وی برای شرح معنای واژگان به آیات قرآن کریم استناد کرده و سعی داشته تا با کمک آن، مفهوم لغت را آشکار نماید. به عنوان مثال، الهی هنگام توضیح معنای واژه «جن»، پس از بیان معنای استتار در همه مشتقات این ریشه، به آیه «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» (مجادله: ۱۶) [سوگندهای خود را به عنوان سپر و پوشش گرفته‌اند]، استناد کرده و بر اساس آیه، معنای این واژه را پوشش ذکر می‌کند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲).

الهی در شرح واژگان، از روایات معصومان (ع) نیز سود برده است. واضح است که کارکرد معناشناختی این روایات به شرح دلالت‌های معنایی واژه یا مصطلح قرآنی محدود است. برای مثال در بیان معنای واژه «ثناء» و نشان دادن معنای توأمان خیر و شر در این واژه، از روایت «من أثبتتم علیه خيراً وجبت له الجنة و من أثبتتم علیه شراً وجبت له النار» نفع برده و معنای «ثناء» را علاوه بر خیر، در گستره شر نیز توسعه می‌دهد؛ هرچند استعمال معنای اخیر را بسیار کم قلمداد می‌کند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۵). استفاده از شواهد شعری رهیافت دیگری است که الهی برای شرح معانی لغات از آن استفاده کرده است. نمونه‌هایی از این کاربرد را در شرح معنای واژه «إسم»، «إله» و «رب» می‌توان شاهد بود (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۶، ۳۸، ۵۲، ۷۳).

الهی اردبیلی برای فهم بهتر واژگان قرآنی در سطح زبانی، به زبان مبدأ نیز توجه داشته و پیشینه واژه را علاوه بر زبان عربی، در زبان دیگر مورد دقت نظر قرار داده است. البته وی در شرح واژگان قرآن بر اساس زبان‌های دیگر مبدأ، تنها به زبان عبری توجه داشته، مانند آنچه در مورد ریشه واژه «الله»، ذکر کرده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۴۷-۴۸).

۲-۱-۱-۱. روابط معنایی

الهی اردبیلی در تفسیر قرآن، علاوه بر شرح واژگان آیات به روابط معنایی میان لغات قرآن نیز توجه دارد. او در این روش سعی می‌کند تا با در نظر گرفتن روابط معنایی از جمله اشتراک، تضاد و جز آن، واژگان قرآن را شرح دهد. بررسی عملکرد این مفسر نشان می‌دهد که وی قائل به مترادف نیست؛ به طور نمونه هرچند واژگان «موجد»، «محدث» و «مکون» دارای معانی نسبتاً نزدیک به هم هستند، اما از نظر وی، میان هریک از این واژگان با واژه دیگر تفاوت وجود دارد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۴۳). نکته قابل توجه دیگر آنکه الهی معتقد است واژگان یکسان با توجه به بافت معنایی و کلمات قبل و بعد از خود، معنای خاصی را افاده می‌کند. مانند واژه «الرحیم» آنجا که با «الرحمان» و «رب العالمین» همراه شود، اشاره به مبدأ و آنجا که با «مالک یوم الدین» قرین شده باشد، اشاره به معاد دارد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۷). گفتنی است الهی اردبیلی بر خلاف زمخشری، مترادف در اشتقاق کبیر (اشتراک بدون ترتیب در حروف اصلی، به همراه اتحاد یا تناسب در معنا مانند حمد و مدح) و اشتقاق اکبر (اشتراک در اکثر حروف اصلی و تناسب در باقی حروف، به همراه اتحاد یا تناسب در معنا مانند فلق و فلج) را نمی‌پذیرد (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۶۴-۶۵).

تضاد یا تقابل از دیگر روابط معنایی است که در شرح واژگان آیات از سوی الهی اردبیلی مورد توجه قرار گرفته است. الهی اردبیلی می‌گوید:

«و الذم نقیض الحمد و لذلك كثيراً ما يستعمل المذمّة فی مقابله المحمده و الهجو نقیض المدح. قيل الذم أيضاً نقیض المدح، فان المدح يطلق علی الثناء الخاص و هو الوصف بالجميل و یقابله الذم أی الوصف بغير الجمیل و قد یخصّ بعد المآثر و یقابله الهجو أی عدّ المثالب» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۷).

سخن او نشان می‌دهد که این مفسر، در معنی شناسی زبانی به رابطه مفهومی تقابل میان واژگان ذم و حمد، هجو و مدح و نیز ذم و مدح توجه داشته بدون اینکه نوع تقابل اعم از اینکه آیا این تقابل وارونه، دوسویه یا رابطه‌ای است را در این واژگان مشخص کند و تصریح کند اگر راجع به کسی مدح صورت نگیرد، الزاماً به معنی آن نیست که در مورد او ذم صورت گرفته باشد و در این تقابل پیوستاری، نفی ذم، موجب اثبات مدح نمی‌شود.



از دیگر روابط معنایی مورد توجه الهی اردبیلی و مبتنی بر بررسی واژگان قرآن کریم «اشتراک» است. سخن الهی اردبیلی که میگوید:

«انه يمكن أن يراد بالحمد الحامدية و المحمودية جميعاً بناءً على أنه مشترك معنوي، فانه فعل واحد بين الحامد و المحمود إذا أعتبر نسبتة إلى الحامد يكون حامدية و إذا أعتبرت إلى المحمود يكون محمودية» (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۷۲)

نشان می‌دهد او میان معانی لفظی حمد به اعتبار حامد یا محمود بودن قدر مشترکی پیدا کرده است و بر این اساس، به اشتراک معنوی این واژه اشاره می‌کند.

۲-۱-۱. دستور زبان

مقصود از دستور زبان موضوعات مرتبط با صرف و نحو است که در فهم صحیح از مفاهیم قرآن نقش‌آفرین است (رجبی، ۱۳۸۳، صص ۸۱-۸۲). بخش عمده‌ای از دریافت‌های الهی اردبیلی در تفسیر، حاصل مباحث زبانی و شامل بررسی ساختمان واژه، ساختار نحوی و اعراب جمله است که با تکیه بر دانش صرف و نحو به بیان نکات تفسیری از آیات قرآن پرداخته است. برای مثال، وی وزن صرفی برخی کلمات را از جمله «شیطان»، مورد توجه قرار داده و بر اساس اشتقاق این واژه از «شَطَنَ يَشْطُنُ» یا از «شَطَطٌ يَشِيطُ»، به ذکر معنای آن پرداخته است. ترجیح وزن «فِعَالٌ» بر وزن «فُعْلَانٌ» به دلیل ثبوت حرف «نون» در تمام شکل‌های اسم شیطان (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۳) از سوی الهی اردبیلی نشان می‌دهد که وی تنها بیان‌کننده آراء مختلف نبوده، بلکه دیدگاه خود را به صورت مستدل بیان کرده و برخی دیدگاه‌ها را بر سایر آراء ترجیح می‌دهد. همچنین اشاره به غیر منصرف بودن واژه «الرحمن» (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۵۴)، صفت مشابه قلمداد کردن واژه «الرحمن» و صیغه مبالغه دانستن واژه «الرحيم»، فهم الهی اردبیلی را مبتنی بر بررسی صرفی واژگان آیات نشان می‌دهد (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۵۶).

یکی دیگر از مباحث صرفی که الهی اردبیلی در سطح زبانی از آن بهره گرفته، توجه به ابدال و ادغام در واژگان است. ابدال تبدیل یک حرف به حرف دیگر و ادغام داخل کردن حرفی در حرف دیگر است. برای نمونه او در واژه «إله» قائل به ابدال است و اصل در این کلمه را «ولاه» دانسته که او به علت سنگینی کسره بر آن، به همزه تبدیل شده است (الهی اردبیلی، بی تا،

ص ۴۹). همچنین تشدید را در واژه «الله» به جهت ادغام لام تعریف ساکن در لام حرف اصلی می‌داند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۴۶).

اسم فعل از جمله مباحث زبانی است که الهی در فهم آیات به آن توجه داشته است. به عنوان نمونه وی به اسم فعل «آمین» توجه کرده که دلالت بر فعل معین «إِسْتَجِبَ» دارد و بدون قبول علامت و تأثیر از عوامل، در برگیرنده معنا، زمان و عمل فعل است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۲). واضح است که اسم فعل «آمین» سماعی و نه قیاسی است؛ زیرا بر وزن «فَعَالٍ» و مبنی بر کسر نیست و از فعل ثلاثی متصرف تام ساخته نشده است. ضمائر متصل و منفصل (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۷، ۱۳۷)، اعراب و بناء (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۵، ۱۲۲) و لازم و متعدی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۰۸)، از دیگر مباحث صرفی در سطح قواعد زبانی است که الهی اردبیلی در فهم عمیق‌تر قرآن کریم از آن بهره گرفته است.

الهی در تفسیر معنای آیات قرآن، علاوه بر دانش صرف، از علم نحو نیز در دریافت‌های مبتنی بر متن مدد گرفته است. چنانکه خود او تصریح می‌کند، وی از مکتب نحوی خاصی پیروی نمی‌کند و ترجیح اقوال نزد او، پیمودن مسیری است که او را به رأی صواب رهنمون می‌سازد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۶). تعیین نوع اضافه و رابطه بین مضاف و مضاف الیه، نمونه‌ای از مباحث نحوی است که الهی در تفسیر خود به آن‌ها توجه داشته است. او نوع اضافه را در «فاتحة الكتاب»، اضافه جزء به کل می‌داند و با اشاره به لامیه بودن اضافه، نشان می‌دهد که مضاف الیه نه مبین جنس مضاف و نه ظرف برای مضاف است؛ بلکه بین مضاف و مضاف الیه، «لام» مقدر است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۲۱).

حذف و تقدیر در ساختار جمله، از مسائل علم نحو است که الهی اردبیلی با تکیه بر آن، به تعیین موارد محذوف یا مقدر اقدام نموده است. او «باء» در «بسم الله الرحمن الرحيم» را متعلق به محذوف می‌داند و تقدیر آن را «أقرأ» در نظر گرفته است و نظر برخی افراد که «باء» را متعلق به فعل محذوف «أبتدا» می‌دانند، مورد مناقشه قرار داده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۰).

توجه به مرجع ضمیر و تعیین مصداق آن، نمونه دیگری از تلاش‌های الهی اردبیلی در دریافت‌های مبتنی بر متن با بهره‌گیری از دانش نحو است. برای نمونه، او ضمیر مستتر فعل «نَبِّئِ» در آیه «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (حجر: ۴۹) را «أنت» ذکر کرده و آن را ناظر به پیامبر (ص) می‌داند و مراد از ضمیر بارز متکلم وحده را در «عبادی»، «أنتی» و «أنا» خداوند معرفی می‌کند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۳۷).



الهی با استعانت از علم نحو، به بیان معانی حروف جر نیز توجه کرده است. او برای حرف «باء» در «بسم الله»، معانی متعددی از جمله الصاق، استعانت، ملابست و مصاحبت را ذکر کرده و از میان آن‌ها، معنای استعانت را قول مختار دانسته و آن را بر دیگر معانی ترجیح داده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۴).

نقش نحوی کلمات از دیگر موضوعات نحوی است که مورد توجه الهی بوده است. وی در آیه «إياک نعبد و إياک نستعین»، یکی از احتمالات را در مورد «واو»، «حالیه» بودن آن دانسته و می‌گوید:

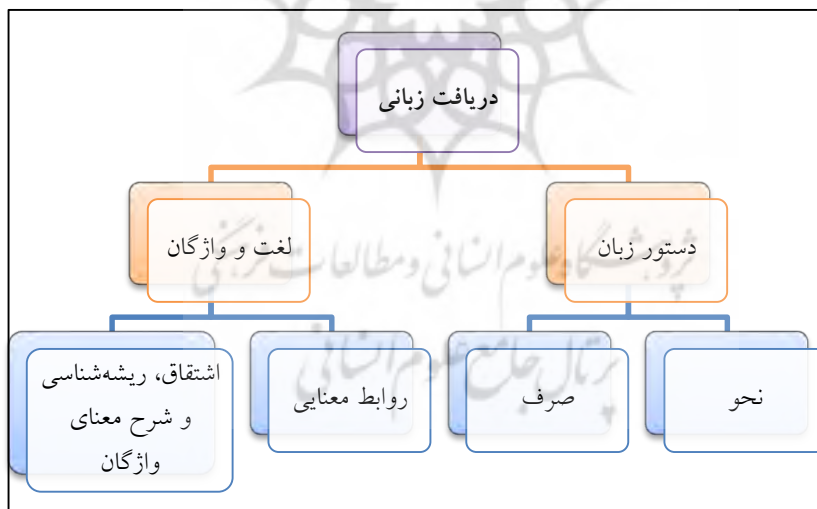
«و قيل الواو للحال و المعنی، نعبدک و لا نعبد غیرک، مستعینین بک؛ گفته شده که واو حالیه است و معنی [آن است که] تو را می‌پرستیم و غیر تو را نمی‌پرستیم در حالی که استعانت جویندگان به تو هستیم» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۹).

او «علیهم» دوم را در آیه آخر سوره فاتحه، بنا بر نائب فاعل بودن در محل رفع و نیز حرف «لا» را در «و لا الضالین» تأکید کننده معنای نافی‌ای می‌داند که در «غیر المغضوب» وجود دارد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۰).

الهی در خلال مباحث تفسیری، گاهی به بعضی قواعد کلی نحوی اشاره می‌کند؛ برای مثال به عدم تقدم معمول مصدر بر خود مصدر (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲) و لزوم تبعیت بدل از مبدل منه در اعراب (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۱۵) می‌توان اشاره کرد. نکته مهم آن که الهی اردبیلی در مباحث دستور زبانی، بیشترین استفاده را از آراء زمخشری در کشاف برده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۶۷، ۸۸، ۱۱۴). وی علاوه بر کشاف، از کتاب دیگر زمخشری به نام «المفصل» نیز، در موضوعات مرتبط با دستور زبان استفاده کرده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۷، ۱۱۴). پس از زمخشری، وی اعتنای بسیاری به اقوال محقق تفتازانی داشته و از کتب مختلف ایشان همچون «التلویح»، «حاشیه مختصر الاصول» و «حاشیه المطالع»، بهره جسته است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱).

منابع مرتبط با موضوعات دستور زبان که الهی اردبیلی در سطح زبانی جهت دریافت‌های مبتنی بر متن از آن استفاده کرده، گاه با ذکر نام کتب یا نویسندگان آن است و گاه بدون ذکر نام از آن بهره جسته است. از جمله مصادر مورد استفاده اردبیلی در مباحث دستور زبان که خود به نام آن‌ها تصریح نموده است، نظرات میر سید شریف جرجانی در حاشیه شرح مفتاح العلوم (الهی

اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۳)، زجاج (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۶)، ابن انباری (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۸)، خلیل بن احمد فراهیدی (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۵۱، ۹۷)، سیبویه (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۵۱، ۵۴)، جوهری، مرزوقی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۵۷)، سکاکی صاحب مفتاح العلوم (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۸)، ابن حاجب در ایضاح المفصل (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۶۸، ۱۲۱، ۱۲۴)، اخفش (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۸۹، ۹۷، ۱۱۹)، محقق رضی استرآبادی (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۱، ۹۵، ۱۲۴، ۱۲۵)، ابن کیسان (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۷)، فرآء (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۷، ۱۱۹)، صاحب قاموس (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۰۱)، ابن کثیر (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۱۹)، ابن هشام انصاری صاحب مغنی اللیب (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۵)، صاحب کشف الکشاف و ابن مالک (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۴) است. الهی اردبیلی در مواردی نیز به صورت کلی و با عباراتی مانند «نحویون»، «بصریین»، «کوفیین»، «نحاة»، «ما ذکره بعض الأدباء» و یا «قد صرح به بعض الأفاضل»، به نقل آراء گوناگون دستور زبانی مبادرت ورزیده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۵۵، ۶۷، ۶۹). دریافت های الهی اردبیلی در سطح زبانی در نمودار زیر منعکس شده است:



نمودار شماره ۱: دریافت الهی اردبیلی مبتنی بر متن در سطح زبانی



۱-۲. دریافت مبتنی بر متن در سطح ادبی

سطح ادبی، دومین سطح از دریافت‌های مبتنی بر متن الهی اردبیلی در تفسیر قرآن است. این سطح فراتر از سطح زبانی و دارای کارکردهای زیبایی‌شناختی زبان است (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۴۵). سطح ادبی، آن سوتر از ترکیب اولیه عناصر زبانی به حساب می‌آید و به خلق ادبی در محتوا یا لفظ پرداخته (محمدنام، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱) و غالباً با ابزار علوم بلاغی شامل علم معانی، بیان و بدیع مورد بررسی قرار می‌گیرد (مؤدب، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹). عناصر ادبی موجود در قرآن کریم علاوه بر افزودن به زیبایی متن، در اعتلای معنا نیز تأثیرگذار است.

بخشی از دریافت‌های الهی اردبیلی در تفسیر قرآن کریم بر اساس دانش معانی است. این دریافت که مبتنی بر متن و در سطح ادبی است، با بهره‌گیری از اصول و قواعدی است که مطابقت کلام خداوند با مقتضای حال و مقام، از آن دریافت می‌شود. خبری بودن یا انشایی بودن کلام، یکی از دریافت‌ها بر اساس دانش معانی در تفسیر است. برای نمونه، وی «الحمد لله» را در آیه دوم سوره حمد، جمله خبری می‌داند. از این رو با ضعیف دانستن آراء کسانی که آن را جمله انشایی پنداشته و اصل آن را «قولوا الحمد لله» می‌دانند، می‌گوید: «من الناس من قال: تقدیر الکلام قولوا الحمد لله، و فيه ضعف، لأن الإضمار إنما یصار إليه لتصحيح الکلام، و لاجاهه هاهنا الیه» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۹). بر پایه دیدگاه الهی اردبیلی، هنگامی می‌توان کلمه‌ای را در سخن مقدر دانست که ضرورتی مانند اصلاح سخن در آن وجود داشته باشد؛ اما از نظر او به دلیل اینکه در قول خداوند «الحمد لله»، چنین ضرورتی وجود ندارد، نیازی هم به تقدیر گرفتن «قولوا» نیست.

نمونه دیگر از دریافت الهی در تفسیر با استفاده از دانش معانی، «حصر» است. وی با اشاره به تقدیم «ایاک» در آیه پنجم سوره حمد، مقدم شدن آن بر فعل «نعبد» را، به دلیل اختصاص عبادت برای خداوند و تعظیم و مقدم داشتن نام پروردگار در قرائت، برشمرده است؛ همانطور که در آیه «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا» (هود: ۱۱)، علت مقدم شدن خبر (بِسْمِ اللَّهِ) را بر مبتدا (مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا)، اهتمام و اراده اختصاص ذکر می‌کند تا نشان داده شود که روان شدن و لنگر انداختن کشتی، با نام خدا بوده است و نه با وزیدن باد و پرتاب لنگر (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲). همچنین الهی در وجه تقدم «ایاک» بر «نعبد» اظهار می‌دارد اگر نعبد مقدم شود، احتمال عبادت برای غیر خدا نیز می‌رود که کفر است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۰۲). تعیین نوع الف و لام در کلمات قرآنی هم، نمونه دیگری از توجه الهی به مباحث علم معانی است. در این زمینه،

الهی لام تعریف در «الحمد لله» را لام جنس و یا لام استغراق دانسته و معنای هر یک را با توجه به نوع «ال» بیان می‌کند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۸). ذکر واژه به صورت نکره و بیان وجه ادبی و بلاغی آن و تعیین معنای بلاغی لام جاره در إثنای جمله نیز از مسائل علم معانی است. در این راستا، الهی نکره بودن واژه «ثناء» در حدیث نبوی (ص): «لا أحصى ثناء عليك، أنت كما أثنيت على نفسك» را بر نوعیت حمل نموده، تا تعلق بر شمردن به آن ممکن باشد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۸) و لام جاره را در آیه «الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» (شعراء: ۹۰)، مفید معنای اختصاص حصری دانسته است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۰).

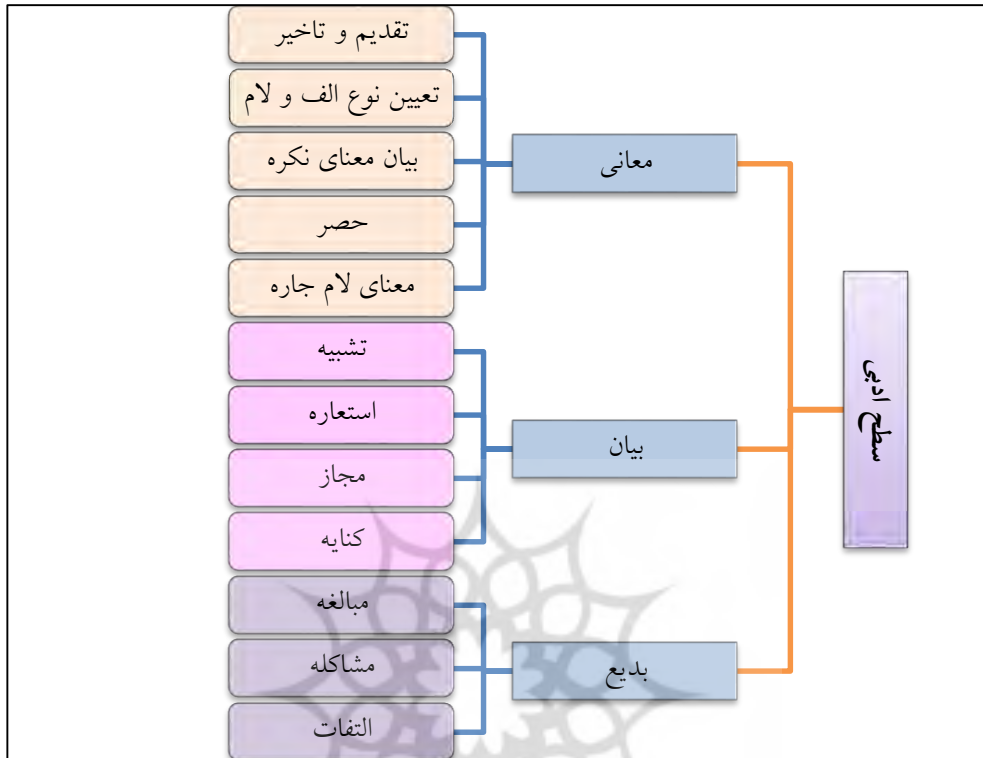
دریافت‌های الهی اردبیلی مبتنی بر متن در سطح ادبی با تکیه بر علوم بلاغت به دانش معانی محدود نمی‌شود، بلکه علم بیان را هم در بر می‌گیرد. او با استفاده از علم بیان تلاش کرده نشان دهد چگونه یک معنا می‌تواند به شیوه‌های گوناگون و با وضوح و خفای متفاوت ادا شود. به طور نمونه وی با استفاده از تشبیه، به وجه نام‌گذاری سوره «حمد» به «فاتحه» پرداخته و احتمالاتی از جمله دو احتمال «آله الفتح» و «باعث الفتح» را مطرح می‌کند: «و اما تشبیهه بالباعث علی الفتح، فوجه الشبهه فیه غیر ظاهر و لو سلم فالباعث لیس فاتحا حقیقه و عرفاً، فالتشبهه بالآله أولى» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۲۱). همچنین استعمال اسم فاعل را در زمان ماضی یا مستقبل حتمی الوقوع، از قبیل استعاره مکنیه یا استعمال مجاز با علاقه مقابله یا مقارنه به شمار می‌آورد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۰). الهی در دریافت‌های مبتنی بر متن در سطح ادبی، علاوه بر تشبیه، استعاره و مجاز، به کنایه نیز توجه دارد. وی در تفسیر آیه چهارم سوره حمد، برای «مالک یوم الدین» معنای کنایی قائل شده و آن را کنایه از مالک کل امر بودن در قیامت می‌داند و چنین استدلال می‌کند که تملک زمان همچون تملک مکان است و لازمه آن، به ملکیت در آوردن همه چیزهایی است که در آن زمان واقع شده باشد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۸).

بخش دیگری از دریافت‌های الهی اردبیلی در تفسیر قرآن کریم، بر اساس دانش بدیع است. این علم به چگونگی آرایش‌های لفظی و معنوی کلام، پس از رعایت اصول بلاغت می‌پردازد. وی در تفسیر از محسنات معنوی کلام از جمله «مبالغه» استفاده کرده است. مثلاً در آیه «و نادى أصحابُ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۴۴)، کاریست فعل ماضی را در معنای مستقبل محقق الوقوع، به جهت مبالغه در تحقق آن ذکر می‌کند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۰). مشاکله یا ذکر شیء با لفظ غیر آن از مسائل علم بدیع است که بر اساس آن، لفظی به رعایت مجاورت در جمله، با الفاظ دیگر، هم‌شکل و یکسان شود. اردبیلی با استناد به این حدیث پیامبر (ص) که فرموده‌اند: «لا أحصى



ثناء علیک، أنت کما أثنیت علی نفسک»، اطلاق لفظ «نفس» را بر ذات باری تعالی، جایز دانسته و آن را از باب مشاکله نمی‌داند (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۹). وی همچنین عدول از اسلوبی به اسلوب دیگر و تغییر خطاب را، از عادات عرب ذکر کرده و آن را باعث نوآوری در سخن، آشکار شدن قدرت متکلم و نشاط و بیداری شنونده می‌داند و مواردی از آن را در آیات قرآن بر می‌شمرد. از جمله تغییر از مخاطب به غایب در آیه «حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْکِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ» (یونس: ۲۲) و عدول از غایب به متکلم در آیه نهم سوره فاطر «و اللّٰهُ الَّذِیْ أَرْسَلَ الرِّیَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۴). الهی تأکید می‌کند که التفات و سخن حاوی آن فی نفسه، جزئی از علم معانی و بیان یا بدیع نیست؛ بلکه التفات از جهت ایجاد حسن معنوی در کلام از مسائل علم بدیع و از لحاظ مطابقت لفظ با مقتضای حال، از مسائل علم معانی به حساب می‌آید (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۶). در این راستا، مصادیقی از التفات در سوره حمد، از جمله تغییر التفات از غایب به مخاطب در «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۳) و عدول از خطاب به غیبت، در آیه آخر سوره حمد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۰) را مورد توجه قرار می‌دهد.

الهی در برداشت‌های ادبی از آیات، اعتنای زیادی به آراء زمخشری در «تفسیر کشاف» (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۲، ۷۰، ۷۲)، «المفصل» و «اساس البلاغه» دارد (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۶۹، ۹۰). اقوال سکاکی در مفتاح العلوم (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۴، ۹۶، ۹۷) و نظرات محقق تفتازاتی در کتب مختلف او مانند «حاشیه شرح تلخیص المفتاح» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۵)، «حاشیه کشاف» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۱)، «حاشیه شرح مختصر الاصول» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۹۰) و «شرح مفتاح العلوم» (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۷۰، ۸۸، ۹۶، ۱۱۹) هم بسیار مورد توجه الهی بوده است. از دیگر منابع او در مباحث بلاغی و با صبغه ادبی که خود نیز بدان‌ها تصریح نموده است، «أسرار البلاغه» از عبد القاهر جرجانی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲)، «مغنی اللیب» از ابن هشام انصاری (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۰) و «حاشیه علی شرح مختصر الاصول» از جلال الدین دوانی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۰) است. دریافت‌های الهی اردبیلی در سطح ادبی در نمودار زیر منعکس شده است:



نمودار شماره ۲: دریافت الهی اردبیلی مبتنی بر متن در سطح ادبی

۲. دریافت فرای متن

در سطح فرای متن آیه، برداشت الهی اردبیلی از متن خود آیه فراتر رفته و از طریق پرداختن به متون دیگر حاصل می‌شود. این نوع از دریافت بر اساس آیات نظیر، متون روایی و تفسیری است. در این سطح، الهی اردبیلی خود را در قید و بند متن آیه مورد نظر قرار نمی‌دهد؛ بلکه با تکیه بر روابط درون‌متنی و با اعتماد به روابط بینامتنی از جمله متون روایی و متون تفسیری، به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد.

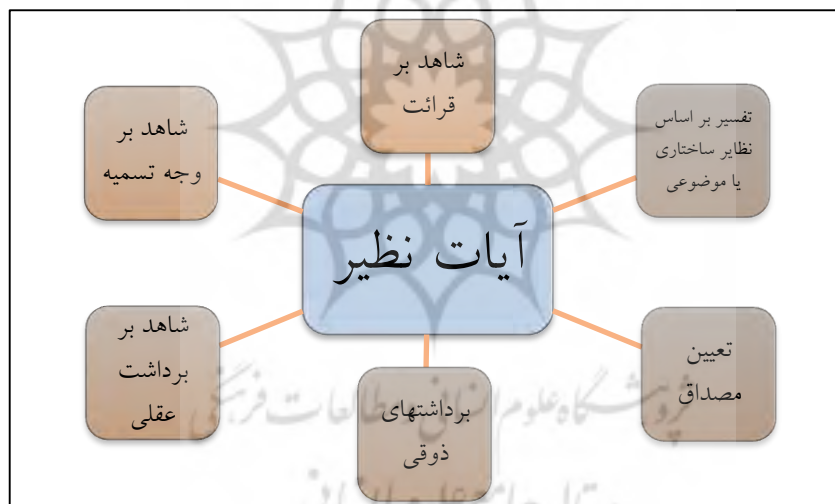
۲-۱. دریافت فرای متن با تکیه بر آیات نظیر

الهی اردبیلی بر این باور است که آیات قرآن یکدیگر را پشتیبانی می‌کند: «القرآن يتعاضد بعضه بعضا» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۵)؛ از همین روی در موارد متعددی برای توضیح مفهوم آیات،

از آیات دیگر کمک گرفته است. آیات نظیر، آیه‌هایی از قرآن کریم است که با آیه مورد نظر دارای شباهت باشد. این تشابه گاهی در واژگان و لغات، گاهی در ساختار جمله و گاهی در موضوع مورد بحث در آیه است. الهی اردبیلی با کنار هم قرار دادن آیات نظیر و ایجاد ارتباط بین آن‌ها، بخشی از آیات قرآن را با آن بخش که با آیه مورد نظر دارای ارتباط است، مقایسه می‌کند. معنای فراهم آمده از مقارنه، متفاوت با معنای حاصل از مطالعه یک آیه خواهد بود. او برای فهم عمیق‌تر قرآن، به نظائر ساختاری آیاتی توجه کرده که دارای ساختاری مشابه با آیات مورد نظر است. به عنوان نمونه در تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، ساختار جمله را شبیه به آیه یازدهم سوره هود «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا»، دانسته است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۲). او در تفسیر آیات به کمک آیات دیگر، گاهی اقوال برخی مفسرانی که قائل به همسانی برخی آیات با آیات دیگر هستند را مورد مناقشه قرار می‌دهد. برای نمونه وی دیدگاه زمخشری را در مورد همانند بودن آیه نود و هشتم از سوره نحل «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و آیه ششم سوره مائده «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا»، مورد انتقاد قرار می‌دهد و بر این باور است که بین این دو آیه از نظر ساختار، تفاوت وجود دارد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۴). الهی آیه «فَقِرُّوا إِلَى اللَّهِ» (ذاریات: ۵۰) را از نظائر موضوعی با «أَعُوذُ بِاللَّهِ» و هر دو را به معنای عروج از خلق به سوی خالق و از ممکن به سمت واجب دانسته و بر این باور است که «اللَّهُ» اشاره به غنی تامی دارد که قادر به تحصیل خیرات و دفع شرور و آفات بوده و غیر او، کسی واجد این صفات نیست (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۸).

از کاربردهای دیگر مقارنه آیات نظیر، تعیین مصداق آیه به کمک آیات دیگر است. الهی یکی از مصداق‌های «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» را با توجه به آیه «مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ» (مائده: ۶۰)، یهود و مصداق «الضالین» را نصارا دانسته است زیرا خداوند درباره آنان در آیه ۷۷ سوره مائده فرموده است: «فَدُّ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثِيرًا» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۲). در تفسیر اردبیلی، کاربردهایی از مقارنه آیات نظیر دیده می‌شود که به وسیله آن، مفسر به برداشت معنایی ذوقی، از آیات قرآن پرداخته است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۶۲، ۷۹، ۱۳۶). افزون بر آن، الهی در تفسیر خود، تلاش کرده تا از مقارنه آیات شاهدهی بر وجه تسمیه سوره حمد به برخی اسامی و نیز تأییدی بر نحوه قرائت آیات بیابد. نمونه آنکه او در توجیه نام «سبع المثانی» برای این سوره، به آیه «وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» (حجر: ۸۷)، استناد کرده و آن را به معنای هفت آیه دانسته که مراد از آن سوره فاتحه است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۲۶).

در زمینه گزینش قرائت «ملک یوم الدین» به جای «مالک»، با استناد به آیات «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» (غافر: ۱۶) و «مَلِكِ النَّاسِ» (ناس: ۲)، به جهت تناسب خاتمه کتاب با آغاز آن در وصف از ربوبیت به ملک بودن، این قرائت را، قول مختار معرفی نموده است (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۸۵). از دیگر کاربردهای آیات قرآن در تفسیر اردبیلی، در مسائل عقلی یا کلامی است. او در موارد متعددی، پس از بیان مفاهیم عقلی و کلامی، به آیاتی از قرآن استناد کرده است. برای نمونه در اثبات اختیار و فساد اعتقاد قائلین به جبر، آیاتی از قرآن را مانند «الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (غافر: ۱۷) آورده که نشان دهنده وجود اختیار در آدمی است (الهی اردبیلی، بی تا، ص ۸۱). واضح است مجبور کردن انسان به انجام گناه و عذاب کردن او به دلیل انجام گناه، ظلم محسوب می شود و خداوند از انجام هر گونه ظلمی پیراسته است. دریافت های فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر آیات نظیر در نمودار زیر منعکس شده است:



نمودار شماره ۳: دریافت فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر آیات نظیر

۲-۲. دریافت فرای متن با تکیه بر متون روایی

بهره گیری از روایات تفسیری، یکی از دریافت فرای متن از سوی الهی اردبیلی است که موجب غنای تفسیر وی شده است. الهی در ابتدای تفسیر، به ذکر روایاتی در زمینه ضرورت استعاذه به



خداوند، وجه تسمیه سوره و آیه بودن بسمله همت گماشته است. او هنگام تفسیر هر آیه، ابتدا مباحث زبان‌شناختی را مطرح نموده و از روایات، مستندات را در شرح معنای واژگان قرآن کریم ذکر کرده (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۲۴، ۱۲۵) و با استناد به روایات، به تفصیل جزئیات آیات پرداخته است. با نگاهی به تفسیر الهی اردبیلی روشن می‌گردد که وی هنگام نقل روایت، به ذکر سلسله سند اهتمام چندانی نداشته و معمولاً روایات را به صورت مرسل نقل می‌کند. شایان ذکر است برخی از احادیث مورد استناد او مرفوع است و به معصوم (ع) می‌رسد؛ اما گاهی تنها به ذکر نام معصوم (ع) اکتفا نموده و در مواردی، علاوه بر ذکر نام معصوم (ع)، یک نفر قبل از ایشان یعنی راوی اخیر در سند را نام می‌برد. از جمله صحابیانی که الهی در تفسیر خود از طریق آن‌ها، روایت پیامبر (ص) را نقل کرده، عبدالله بن مسعود، جبیر بن مطعم، معاذ بن جبل، معقل بن یسار، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله، حذیفه بن یمان، ابی بن کعب، بریده، انس، ام سلمه و اسماء بنت زید است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۴، ۹، ۲۸، ۴۰، ۶۰، ۱۲۵). در مواردی نیز الهی اردبیلی نام بیش از یک نفر قبل از معصوم (ع) را ذکر کرده است؛ مانند حدیثی که با ذکر نام محمد بن سنان از ابن مسکان از محمد حلبی از امام صادق (ع)، به عدم جواز آمین گفتن بعد قرائت سوره حمد پرداخته است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۱۲۳).

الهی در تفسیر خود از نه تن از معصومین (ع)، روایت نقل کرده است. بیشترین نقل از پیامبر اکرم (ص) است که حدود نیمی از روایات او را در بر می‌گیرد. پس از ایشان به ترتیب از امیرالمؤمنین (ع)، امام جعفر صادق (ع)، امام حسن عسکری (ع) و امام رضا (ع) نقل حدیث کرده است و از امام حسن مجتبی (ع)، امام سجاد (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام موسی بن جعفر (ع) تنها یک روایت را در تفسیر خود آورده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۳۰، ۱۲۷-۱۲۸، ۶۴-۶۳، ۸۰). الهی اردبیلی گاه بدون اشاره به نام معصوم (ع) از تعبیری مانند «قوله علیه السلام»، «قال علیه السلام»، «لقوله علیه السلام» یا «فی قوله علیه السلام»، در بیان روایات تفسیری معصومان (ع) استفاده کرده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۱۱، ۱۹، ۴۱، ۱۰۳، ۱۳۷).

الهی اردبیلی گاهی در نقل احادیث از تعبیری مانند «فی روایه»، «علی ما روی»، «ما روی»، «فی بعض الروایات»، «ورد فی الحدیث»، «روی»، «فی الحدیث یا فی حدیث»، «جاء فی الخبر»، «قد روی»، «نُقل» و «علی ما جاء فی الروایات» استفاده کرده که در آن تصریح به نام راوی و معصوم (ع) نشده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۱۲، ۲۲، ۳۳، ۹۹). وی گاهی به تناسب بحث، به حدیث قدسی استناد کرده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۱۳۷). این احادیث قدسی، گاه از

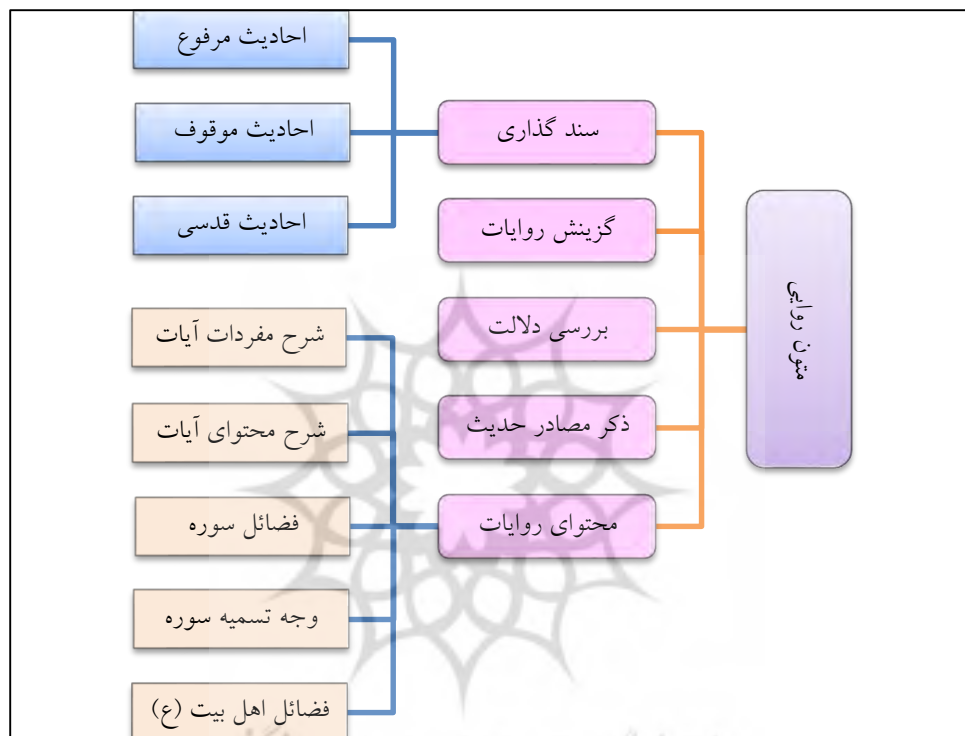
کتاب سایر ادیان (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۵) و گاه از طریق معصوم (ع) نقل شده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۴۳). شایان ذکر است که هر چند مفسر در هنگام نقل روایت، اسناد را گزارش نکرده و اعتبار روایات را مورد بررسی قرار نداده، اما در برخی موارد، به صحت حدیث یا اضطراب آن توجه داشته است. از جمله وی پس از نقل روایتی درباره فضیلت سوره حمد از ابی بن کعب، درباره صحت آن می‌گوید: «و هذا الحدیث صحیح و إن کان اکثر الأحادیث المرویه عن أبی بن کعب فی فضایل السور موضوعه» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۵)؛ «این حدیث صحیح است، هر چند بیشتر احادیث روایت شده از ابی بن کعب در مورد فضائل سوره‌ها، موضوع (جعل شده) است». او پس از ذکر روایاتی از انس که با یکدیگر مغایرت داشته، به اضطراب میان روایات اشاره کرده و رجوع به دلایل دیگر را لازم می‌شمارد: «و إذا اضطربت الروایات عن أنس وجب الرجوع إلى سایر الدلائل ... فلعل أنساً خاف منهم (بنی امیه)، فلهدا اضطربت أقواله» (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۶۱)؛ «شاید انس از بنی امیه ترسیده باشد و به این علت، سخنان او دچار تشویش شده باشد».

اردبیلی در طول تفسیر خود تنها در چند مورد به هنگام نقل روایت، به مصدر آن هم اشاره کرده است. این مصادر عبارتند از: الهدایه قاضی ابوبکر باقلانی، الموطأ مالک، نهج البلاغه و کشف الغمه علی بن عیسی اربلی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۱، ۱۲، ۹۴، ۱۴۲، ۱۴۳). وی در باقی موارد، بدون یادکرد منبع، تنها به نقل روایت همت گماشته است. با مقایسه تفسیر او با متون تفسیری موجود در زمان وی مشخص می‌شود که در بیشتر موارد، او ناقل احادیث از دیگر متون تفسیری است. در این زمینه، بیشترین منبعی که الهی اردبیلی از آن متأثر بوده و متون روایی را از آن نقل کرده، «التفسیر الکبیر» فخر رازی و «الکشاف» زمخشری است. پس از این دو، تفسیر «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» نظام نیشابوری، از زمره منابع تفسیری الهی اردبیلی در نقل اخبار است.

برخی مصادر حدیثی الهی در متون روایی، «الکافی» کلینی، «التهدیب» و «مصباح المتجهد و سلاح المتعبد» شیخ طوسی، «غرر الحکم و درر الکلم» آمدی و «المعتبر فی شرح المختصر» محقق حلی است. ذکر این نکته ضروری است که تنها با جست و جو در متون روایی موجود تا زمان مفسر، می‌توان منابع حدیثی او را شناسایی کرد؛ زیرا مفسر غالباً سخنی از منابع روایی خود به میان نیاورده است. گفتنی است الهی اردبیلی در نقل روایت از منابع غیر امامی بهره بسیار برده و در این زمینه فرا مذهبی عمل نموده است. محتوای روایاتی که الهی اردبیلی در تفسیر قرآن



خود از آن بهره جسته، شامل شرح مفردات و عبارات آیات، فضائل سوره، وجه تسمیه سوره و فضائل اهل بیت (ع) بوده است. دریافت‌های فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر متون روایی در نمودار زیر منعکس شده است:



نمودار شماره ۴: دریافت فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر متون روایی

۲-۳. دریافت فرای متن با تکیه بر متون تفسیری سابق

در دریافت فرای متن با استفاده از متون تفسیری سابق، مفسر مستقیماً به آیات قرآن مراجعه نمی‌کند؛ بلکه با عبور از متن آیه، به سراغ تفاسیر دیگر رفته و از آن‌ها بهره می‌گیرد. بخش قابل توجهی از تفسیر الهی اردبیلی، نقل از تفاسیر دیگر است. شاهد بر این امر، سخن خود او در مقدمه تفسیرش است که اظهار داشته تفسیری می‌نویسد که جامع اقوال گذشتگان باشد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۲). نکته مهم آنکه او ضمن نقل متون تفسیری گذشتگان، تعصبی بر پذیرش بی قید اقوال آن‌ها نداشته و در مواردی با دیدگاه انتقادی به آراء گذشتگان نگریسته و نظرات

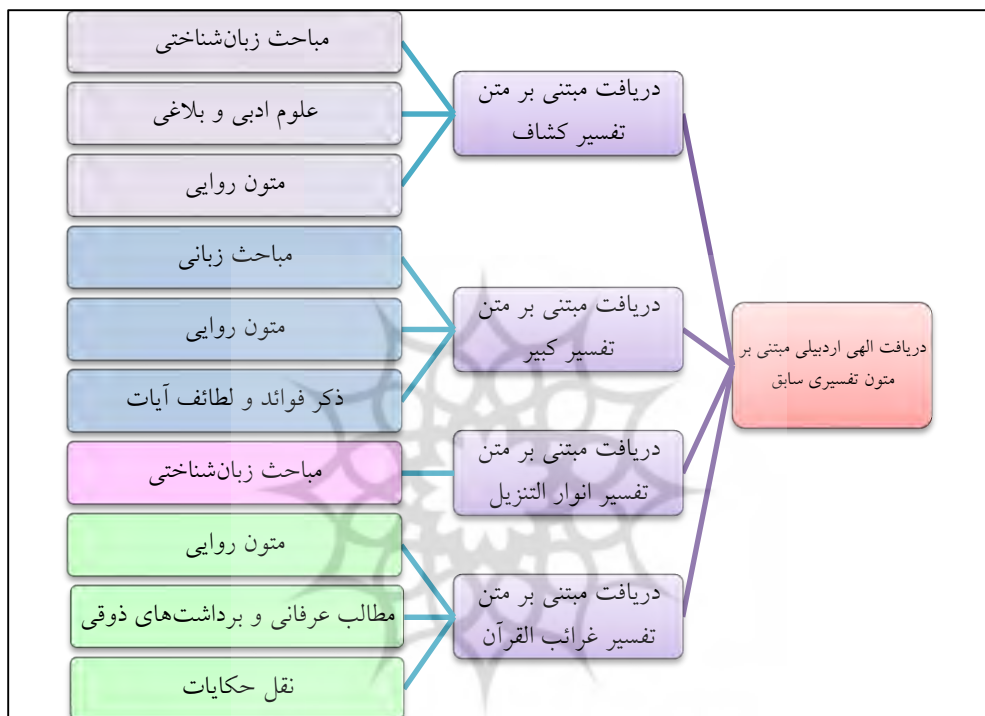
تفسیری آنان را نمی‌پذیرد (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۴). واقعیت این است که هر چند الهی اردبیلی به تفسیر کشاف زمخشری بارها اشاره کرده و آراء فخر رازی را در موارد انگشت‌شمار و در موارد نادری به قرطبی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۲۷) و تفسیر کشف الکشاف ابوالمعالی قزوینی (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۴) اشاره کرده است؛ اما وی هنگام نقل متون تفسیری گذشتگان، اغلب به ذکر منبع و نویسنده آن پایبند نبوده است.

بررسی تفسیر الهی اردبیلی نشان داد که وی به صورت گسترده از بیست و یک متن تفسیری پیش از خود استفاده نموده است. برخی تفاسیر شیعی که وی به آن‌ها توجه نموده کنز العرفان فاضل مقداد، روض الجنان ابو الفتوح رازی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) و مجمع البیان طبرسی است. او از میان متون تفسیری، از دو تفسیر «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل» و «التفسیر الکبیر» بیش از سایر تفاسیر استفاده کرده است. تفسیر کشاف، از کهن‌ترین تفاسیر قرآن در قرن ششم هجری قمری و مؤلف آن زمخشری، از پیروان مذهب حنفی است. آرای زمخشری، بیشتر در حوزه مباحث زبانی و علوم ادبی مورد توجه الهی بوده و برخی متون روایی را نیز از این تفسیر نقل کرده است. تفسیر فخر رازی، فیلسوف و دانشمند شافعی اهل تسنن هم، از متون تفسیری است که بسیار مورد توجه الهی بوده و استنادهای گسترده‌ای به آن داشته است. اهم مباحثی که الهی از فخر رازی در تفسیر خود نقل نموده در حوزه مسائل زبانی، نقل متون روایی و ذکر فوائد و لطائف آیات است. پس از این دو، یکی دیگر از منابع مورد استفاده در تفسیر الهی، «انوار التنزیل و أسرار التأویل» است. صاحب این تفسیر بیضاوی، از مفسران به نام اهل تسنن در قرن هفتم و بر مذهب شافعی است.

الهی نامی از این تفسیر نبرده و بیشتر در حوزه زبان‌شناختی و خصوصاً بررسی واژگان، به این تفسیر استناد نموده است. علاوه بر مباحث زبانی، در مسأله قرائات (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۸۵)، بیان نکات بلاغی آیات (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۳، ۱۰۰)، برداشت عرفانی از آیات (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۹۴، ۱۰۹) و نقل برخی روایات در فضائل سوره (الهی اردبیلی، بی‌تا، ص ۱۲۵)، مطالبی از تفسیر بیضاوی نقل کرده است. «غرائب القرآن و رغائب الفرقان» نیز از سوی الهی، مورد استناد فراوان قرار گرفته است. صاحب این تفسیر نظام نیشابوری، از مفسران بزرگ اهل تسنن در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است. او در عقیده، گرایش به مذهب شافعی دارد. بیشترین مطالب منقول از تفسیر او، در حوزه نقل مطالب عرفانی و برداشت‌های ذوقی (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۵۹، ۸۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۳۱، ۱۴۳)، نقل متون روایی (الهی اردبیلی،



بی‌تا، صص ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱) و حکایات بوده است (الهی اردبیلی، بی‌تا، صص ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۱۱۳). دریافت‌های فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر متون تفسیری سابق در نمودار زیر منعکس شده است:



نمودار شماره ۵: دریافت فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر متون تفسیری سابق

نتیجه‌گیری

تحلیل روش‌های فهم قرآن کریم مبتنی بر متن آیه و فرای متن آیه در در تفسیر الهی اردبیلی نشان داد که:

۱. الهی اردبیلی در فهم تحلیلی مبتنی بر متن، با استفاده از ابزارهای علوم زبان‌شناختی به درک معنای واژگان و مفردات آیات پرداخته و روابط معنایی میان آنها را مورد بررسی قرار داده است. استفاده از دستور زبان، ابزار زبان‌شناختی دیگر الهی اردبیلی به منظور شرح مفاهیم آیات قرآن کریم بوده است.

۲. هر چند الهی اردبیلی در تفسیر خود بیشترین استفاده را از آراء زمخشری و محقق تفتازانی برده است، اما نگاهی منفعلانه نسبت به پذیرش آراء آنان و نیز آراء سایر لغت شناسان و ادیبان ندارد و در فهم زبانی از مکتب نحوی خاصی پیروی نمی‌کند.
۳. الهی اردبیلی در تفسیر قرآن به فهم ادبی حاصل از علوم بلاغی شامل معانی، بیان و بدیع که سطحی فراتر از سطح زبانی است، توجه نموده و در آراء ادبی به دیدگاه سکاکي، محقق تفتازاتی، عبد القاهر جرجانی، ابن هشام انصاری و جلال الدین دوانی توجه وافری داشته است.
۴. دریافت‌های فرای متن الهی اردبیلی در تفسیر قرآن، فهم توسعه‌ای است. وی در این سطح، با تکیه بر روابط درون‌متنی از جمله آیات نظیر و با اعتماد به روابط بینامتنی از جمله رابطه تفسیری متون دیگر با قرآن کریم و روایات، به تفسیر آیات قرآن روی آورده است.
۵. الهی اردبیلی در تفسیر خود از گونه‌های دریافت بر اساس متون روایی، از توضیح لفظ یا مفهوم، بیان مصداق آیات، فضائل سوره، وجه تسمیه و فضائل اهل بیت (ع) بهره برده است.
۶. شاخصه‌های دریافت‌های فرای متن بر اساس متون روایی، نشان می‌دهد که الهی اردبیلی در تفسیر خود، اهتمام خاصی به اعتبار سنجی روایات نداشته و تنها در پاره‌ای موارد به صحت یا اضطراب احادیث توجه کرده است. روایاتی که این مفسر به آن استناد کرده، غالباً بدون ذکر سلسله راویان بوده و تنها به بیان نام معصوم (ع) یا نام یک یا دو نفر از آخر سند، اکتفا شده است. وی در نقل سند احادیث، گاه از صیغه جزم مانند «قال علیه السلام» و صیغه تمریض مانند «تُقَلَّ» استفاده کرده است. مقایسه تفسیر او با متون تفسیری دیگر نشان داد که وی به طور معمول، بیان‌کننده احادیثی است که دیگر مفسران آن را نقل کرده‌اند.
۷. دریافت‌های فرای متن الهی اردبیلی با تکیه بر متون تفسیری نشان داد که نه تنها این مفسر قرآن کریم تعصبی بر پذیرش بی قید آراء تفسیری گذشتگان ندارد، بلکه در مواردی به نقد آراء گذشتگان پرداخته و نظرات تفسیری آنان را مردود می‌داند. با وجود اینکه وی از میان مصادر تفسیری خود به تفسیر کشاف زمخشری بارها اشاره کرده و فخر رازی را در موارد انگشت‌شماری نام برده اما غالباً هنگام نقل متون تفسیری گذشتگان، به ذکر منبع پایبند نبوده است.
۸. هر چند الهی اردبیلی در تفسیر خود به بررسی‌های زبانی و ادبی توجه بیشتری نشان داده اما خویش را محدود به یک روش خاص تفسیری نکرده و با اتخاذ روش اجتهادی جامع، به تفسیر قرآن کریم پرداخته است.



کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش؛ مکوند، محمود (۱۳۸۹ش)، «بررسی زبان‌شناختی واژه قرآنی مسجد»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۳، صص ۵-۱۸.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الاضواء.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۳۸۹ش)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، مترجم: محمدباقر ساعدی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- الهی اردبیلی، حسین بن عبدالحق (بی‌تا)، *تفسیر سوره الفاتحه*، تصحیح: علی صدرایی خویی و ثریا قطبی، بی‌جا: بی‌نا.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، محقق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- امینی زاده، علی؛ رنجبر، محمد علی (۱۳۹۶ش)، «تسنن دوازده امامی خراسان در سده‌های هشتم و نهم هجری»، *زمینه‌ها و علل*، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۵۷، صص ۶۵-۹۴.
- اوسی، علی (۱۳۸۱ش)، *روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان*، مترجم: سید حسین میر جلیلی، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۳ش)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: وزارت ارشاد.
- پور امینی، محمد باقر (۱۳۹۸ش)، «بررسی رویکردهای کلامی مکتب اصفهان در دوره صفوی»، نشریه قبسات، شماره ۹۲، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸ش)، *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی*، تهران: مرکز تحقیقات علمی کشور.
- رجبی، محمود (۱۳۸۳ش)، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۲ش)، *درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رمضانی مشکانی، عصمت (۱۳۸۳-۱۳۸۴ش)، «تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل بر فرهنگ و اندیشه دینی ایرانیان»، *نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی*، شماره ۱۶-۱۹، صص ۸۶-۹۳.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ش)، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۱ش)، *تفسیر و تفاسیر شیعه*، قزوین: حدیث امروز.

- صالحین، لادن؛ محمودی، ابوالفضل (۱۳۹۵ش)، «رویکرد عرفانی شیخ محمود شبستری در تحلیل نظریه تناسخ»، *دوفصلنامه پژوهشنامه ادیان*، شماره ۲۰، صص ۹۳-۱۱۰.
- صفوی، سام میرزا (۱۳۱۴ش)، *تحفه سامی*، مصحح: وحید دستگردی، تهران: انتشارات ارمغان.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۱ش)، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، قم: انتشارات اسوه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳ش)، *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کرمخانی، جواد؛ علی مدد، زهرا (۱۳۹۵ش)، *روش تحقیق و پروپوزال‌نویسی*، ایلام: انتشارات نگارستان غرب.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۴ش)، «نخستین ناقل معارف جعفری به فارسی (الهی اردبیلی)»، *مجله مشکات*، شماره ۸، صص ۱۲۱-۱۴۴.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۹۸ش)، *روش‌های تفسیر قرآن*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۰ش)، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم: انتشارات اشراق.
- محمدنام، سجاد (۱۳۹۶ش)، *بازنگری شاخص‌های طبقه‌بندی روش‌های تفسیری (پایان‌نامه دکتری تفسیر تطبیقی)*، قم: دانشگاه قم.
- نصیری، علی (۱۳۹۵ش)، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم: انتشارات وحی و خرد.

Bibliography:

The Holy Qur'an.

Affandi, Abdullah bin Isa Beyg (1389 S.H.), Riyaz al-Ulama and Hayaz al-Fozala, translator: Mohammad Bagher Saedi Khorasani, Mashhad: Astan Quds Razavi.

Aghabuzurg Tehrani, Mohammad Mohsen (1403 A.H.), Al-Dhari'a al-Tasanif al-Shi'a, Beirut: Dar al-Azwa.

Alavi Mehr, Hossein (1381 S.H.), methods and tendencies of interpretation, Qom: Osveh Publications.

Amid Zanjani, Abbas Ali (1373 S.H.), Basics and Methods of Qur'an Interpretation, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Amin, Seyyed Mohsen (1403 A.H.), a'yan al-Shia, researcher: Hassan Amin, Beirut: Dar al-Taarof al-matbuat.

- Aminizadeh, Ali; and Ranjbar, Muhammad Ali (1396 S.H.), "Tasannon of the Twelve Imams of Khorasan in the 8th and 9th Centuries of Hijri", Contexts and Causes, Shia Studies Quarterly, No. 57, pp. 65-94.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1373 S.H.), Al-Mofasseroon Hayatohom and Manhajohom, Tehran: Ministry of Guidance.
- Azarnoosh, Azartash; and Makvand, Mahmoud (1389 S.H.), "Linguistic study of the Qur'anic term mosque", Research Journal of Qur'an and Hadith Sciences, No. ۱۳, pp. ۱۸-۵.
- Elahi Ardabili, Hossein bin Abdulhaq, Tafsir of Surah al-Fatiha, editors: Ali Sadraei Khoei and Soraya Ghotbi.
- Karamkhani, Javad; and Zahra Ali Madad (1395 S.H.), research method and proposal writing, Ilam: Negarestan Gharb Publications.
- Khaki, Gholamreza (1378 S.H.), research method with an approach to thesis writing, Tehran: Iran's Scientific Research Center.
- Maiel Heravi, Najib (1364 S.H.), "The first transmitter of Jafari's knowledge into Persian (Elhi Ardabili)", Meshkat Magazine, No. 8, pp. 121-144.
- Moaddab, Seyyed Reza (1380 S.H.), Methods of Qur'an Interpretation, Qom: Eshraq Publications.
- Moaddab, Seyyed Reza (1398 S.H.), Methods of Qur'an Interpretation, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books.
- Mohammadnam, Sajjad (1396 S.H.), Revision of Classification Indexes of Interpretation Methods (Comparative Interpretation Doctoral Dissertation), University of Qom, Retrievable from Ganj, Iran Scientific Information Database (Irandoc).
- Nasiri, Ali (1395 S.H.), Methodology of Qur'an Interpretation, Qom: Wahi and Kherad Publications.
- Ossi, Ali (1381 S.H.), Allameh Tabatabai's method in the interpretation of al-Mizan, translator: Seyed Hossein Mir Jalili, Tehran: International Publishing.
- Pour Amini, Mohammad Baqer (1398 S.H.), "Review of the theological approaches of the Isfahan school in the Safavi period", Qabasat magazine, No. 92, pp. 103-126.
- Rajabi, Mahmoud (1383 S.H.), The Method of Qur'an Interpretation, Qom: Howza and University Research Institute.
- Ramezani Meshkani, Esmat (1383-1384 S.H.), "Effect of migration of Jebel Amel scholars on the culture and religious thought of Iranians", Research Journal of Islamic Law, No. 16-19, pp. 86-93.

- Rezaei Esfahani, Muhammad Ali (1382 S.H.), Textbook of Qur'an Interpretation Methods and Tendencies, Qom: World Center for Islamic Sciences.
- Safavi, Sam Mirza (1314 S.H.), Tohfe Sami, edited by: Vahid Dastjerdi, Tehran: Armaghan Publications.
- Salehin, Ladan; and Abolfazl Mahmoudi (1395 S.H.), "Sheikh Mahmoud Shabestari's mystic approach in the analysis of the theory of reincarnation", bi-quarterly journal of Research Journal of Religions, No. 20, pp. 110-93.
- Shahidi Salehi, Abdul Hossein (1381 S.H.), Tafsir and Tafasir Shia, Qazvin: Today's Hadith.
- Shaker, Mohammad Kazem (1382 S.H.), Basics and interpretive methods, Qom: World Center for Islamic Sciences.

